

## کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E\_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E\_mail:

abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۳ شهریور ۱۳۸۷، ۳ سپتامبر ۲۰۰۸

سر دبیر: منصور فرزاد mansoorfarzad@yahoo.se



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

# ایسکرا ۴۳۰

## گفتگو با یکی از کارگران اعتصابی شرکت کشت و صنعت مهاباد امیر فرهادی

۱-چند روز اعتصاب کرده وعده داد که مطالبات آنها را پاسخ  
آید و در این اعتصاب خواهان چه می دهیم و ما از آن ها خواستیم در  
مطالباتی بودید؟  
صورتی که مطالبات ما را تا روز  
ج-اولین اعتصاب مادر روز سه شنبه پرداخت نکنند دست به  
شنبه هفته ی گذشته بوده است اعتصاب خواهیم زد.وما طی یک  
و کارفرما در سه شنبه به کارگران نامه نگاری به فرمانداری شهر همین  
صفحه ۴

## در دفاع از آزادی زندانیان سیاسی علیه هویت ملی محمد آسگران

صفحه ۳



محمد آسگران

محور کرکوک و خانقین و استان  
دیاله اختلاف آنها اوج گرفته است.  
اما جدال آنها وسیعتر و پایه ای تر از  
این است. در همین محدوده هم در  
ماه اوت ۲۰۰۸ در مقابل هم سنگر  
گرفتند، بسیج نیرو کردند، تبلیغات  
ناسیونالیستی را غلیظ تر کردند و  
هر کدام به متحدین خود مراجعه

صفحه ۲

## پیامد جدال ناسیونالیستهای کرد و عرب در عراق مسئله کرد در عراق و راه حل ما

از اوایل اوت ۲۰۰۸ جدال  
ناسیونالیسم کرد و عرب در عراق،  
وارد مرحله تازه ای شده است. قبلیتر  
هم علاوه بر مسئله تاریخی و  
موضوع مسئله ملی در کردستان،  
جدال آنها بر سر کرکوک و حاکمیت بر  
مناطق کرد نشین مورد مناقشه  
بوده است. این جدال قدیمی و ریشه  
دار است. اما اکنون با کشمکش بر  
سر قدرت و منطقه نفوذ احزاب حاکم  
در کردستان عراق و احزاب و  
جریانات ناسیونال اسلامی حاکم در

بغداد بیش از پیش دوباره صحنه  
جدال این دو جنبش ناسیونالیستی را  
به نمایش گذاشته است. آخرین اخبار  
منتشر شده اوج گرفتن مجدد جدال  
احزاب این دو جنبش بر سر حاکمیت  
و منطقه نفوذ این دو در کردستان را  
برجسته کرده است. کردستان عراق  
یک بار دیگر با تهدید جنگ و  
رقابتهای خطرناک احزاب و دسته  
جات منبعت از این دو جنبش  
مواجه شده است.  
اکنون در سطحی محدود بر

## چند خبر و گزارش از کردستان

اخبار زیر را شنبه برای کمیته کردستان حزب ارسال کرده است که ما عین آنرا منتشر میکنیم.

۱- اخیراً اطلاعات جمهوری  
اسلامی در بسیاری از شهرهای  
کردستان با تماس تلفنی افرادی را به  
اداره اطلاعات فراخوانده است. آنها  
همچنان مشغول ایجاد رعب و  
وحشت هستند. حتی افرادی را که  
در گوشه و کنار در نقد جمهوری  
اسلامی سخنی به میان آورده اند  
طی تماس تلفنی آنها را به اداره  
اطلاعات خوانده اند. این هم يك مدل  
دیگر از تلاش حکومت است که  
میخواهد حتی صدای کوچکترین  
اعتراض مردم در گوشه و کنار را با  
ایجاد رعب و وحشت در آنها  
خاموش کند و از طریق تماس تلفنی  
و فراخواندن آنها به اداره اطلاعات

وحشت در جامعه ایجاد کند. این  
اعمال را نباید بی پاسخ گذاشت باید  
آنها افشا کرد. همه کسانی که تلفونی  
فراری دادند. این اقدام مردم بار دیگر  
نشان داد که با اعتراض و مقاومت  
خود میتوانند تلاش نیروهای  
سرکوبگر را خنثی کنند.  
با توجه به اینکه شغل اکثر مردم  
این منطقه و پیرانشهر و شهرهای  
مرزی حمل کالا از مرز عراق است،  
دولت میلیونها تومان پول صرف  
بستن مرزها و کار گذاشتن مین در  
راه آنان کرده است. نیروهای مسلح  
رژیم اسلامی با تیر اندازی و مین  
گزاری و مانع شدن مردم بیکار برای  
بوق زندهای مکرر در اطراف ماشین

صفحه ۳

## برگزاری دومین مجمع عمومی کارگران شرکت نساجی کردستان

صفحه ۴

## تمدید بازداشت دوباره فرهاد حاجی میرزائی

فرهاد حاجی میرزائی هشت ماه  
است که متحمل شکنجه و آزار اند، فرهاد تحت انواع شکنجه ها  
بسیاری شده است. در اقدام ناباورانه از جمله شلاق، شوک الکتریکی و ...  
ی دیگری، بار دیگر حکم شکنجه و برای مدت طولانی قرار گرفته  
بازرسی فرهاد با حضور دادیار است. نیروهای امنیتی و بازجوهای  
دادگاه انقلاب اسلامی تهران صادر اداره اطلاعات با شکنجه و فشار  
گردیده است. فرهاد حاجی میرزائی می خواهند اتهامات واهی را  
فعال مدنی ابتدا در شهر سنندج بفرهاد حاجی میرزائی تحمیل  
بازداشت و پس از یک دوره شکنجه و کنند. پرونده سازی و روبرو کردن  
بازجویی به زندان اوین انتقال داده تعدادی از زندانیان با ایشان برای  
شد. فرهاد در زندان اوین چندین دوره تحمیل جرم و گرفتن اقرار بخشی از  
بازجویی و شکنجه شده است. حربه های مقامات قضایی و امنیتی  
بر اساس گزارش زندانیانی که

صفحه ۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## ادامه پیامد جدال ناسیونالیستهای ...

نمودند. مالکی اعلام کرد سرکشی نیروی پیشمرگ را تحمل نمیکنند و احزاب ناسیونالیست کرد هم اعلام کردند اگر ارتش عراق بخواهد منطقه نفوذ آنها را محدود کند وارد جنگ خواهند شد. در پی این تحولات ارتش عراق در استان دیاله محدودیتهایی برای احزاب کرد ایجاد کرد و از آنها خواست پرچم عراق را در کنار پرچم کردستان نصب کنند و بعضا پرچم کردستان را پایین کشیدند. احزاب حاکم بر کردستان در کنار تحریک افکار عمومی نیروی نظامی خود را در استان دیاله تقویت کردند و آماده باش اعلام نمودند. همزمان هیئت فرستادند، مذاکره کردند و در بغداد موقتا توافقاتی کردند که اوضاع را به همان روال قبل از این بحران برگردانند. اما این غیر ممکن است. رقابتهای و جدال آنها اتفاقی و اشتباه این یا آن فرمانده و مسئول حکومتی نبوده است. تحولات وسیع و عمیقتری در منطقه این بحران را آفریده است. تعادل قوای نیروهای موثر این دو جنبش متحول شده و متحین و مخالفین تازه ای اکنون آرایش تازه صحنه سیاست در عراق را شکل میدهند. متحین و هم پیمانان در یوز جابجا شده و در موقعیت جدید آرایش دیگری به خود میگیرند. سیر حوادث به سمتی میروند که احزاب ناسیونالیست کرد يك بار دیگر برای چندمین بار در تاریخ معاصر بی کفایتی و بی لیاقتی خود را نشان میدهند. سرشان بی کلاه میماند و ناچارا باز هم اختلافات کرد و عرب را علم میکنند. سم ناسیونالیسم از دو طرف به خورد مردم داده میشود اما در پس این کشمکش و مهندسی افکار عمومی طرفین منافع مادی و زمینی خوابیده است. هیچکدام نمیخواهند حاکمیت شهر نفت خیز کرکوک را به طرف مقابل واگذار کنند.

در میان این هیاهوی پخش سموم ناسیونالیستی اسلامی، به یکباره احزاب ناسیونالیست کرد نقش مخرب جمهوری اسلامی در حمایت از مالکی و نیروهای اسلامی در بغداد را با افشای يك سند درونی گوشزد میکنند. انگار این اولین بار است که جمهوری

اسلامی چنین دخالتهای کرده است. در این سند جمهوری اسلامی اعلام کرده است که احزاب حاکم بر کردستان را فعلا نباید از حکومت راند، اما باید نقش و نفوذ آنها را محدود کرد. کسانی که سند را تهیه و سیاست رژیم اسلامی را در قبال عراق تدوین کرده اند مقامات سپاه قدس، قرارگاه رمضان، نماینده خامنه ای و وزارت اطلاعات معرفی شده اند. بر اساس این سند محرمانه، توصیه شده است خانقین و استان دیاله که اخیرا مورد مناقشه دو طرف جنگ قدرت در کردستان و بغداد است، بوسیله ارتش عراق و با فرماندهان نزدیک به جمهوری اسلامی کنترل شود. تاکید شده است در صورت لزوم نیروهای اطلاعاتی و نظامی رژیم باید بتوانند بدون مشکل در عراق آمد و رفت کنند و امکان حمله به قرارگاه سازمان مجاهدین را داشته باشند. در عین حال جمهوری اسلامی در این سند از مریضی جلال طالبانی نگران شده که یکی از متحین خود در کردستان را ممکن است از دست بدهد و یا نقش او کم بشود. ....

بر خلاف آنچه در رسانه های طرفین این جدال منتشر شده است دعوی احزاب قومی کردستان با احزاب و جریانات ناسیونال اسلامی عراق، دعوا بر سر اجرای این یا آن بند قانون و اداره این یا آن شهر کردشین، نیست. دعوی آنها عمیق تر و ریشه ای تر است. هم ریشه ای تاریخی دارد و هم مستقیما به تعادل قوای امروز میان این احزاب مربوط است.

عراق اشغالی بعد از صدام حسین در نتیجه سیاستهای نظم نوینی، با سناریوی روبرو شده است که قدرت اسلحه میلیشای احزاب و گروههای ناسیونالیستی و اسلامی تعیین کننده حاکمیت هر کدام از آنها است. بنابراین آنچه در عراق بعد از ۲۰۰۳ قابل مشاهده است روند رقابتهای جهانی قدرتهای فرامنطقه ای و تاثیر آن بر جریانات منطقه و به تبع عراق تعیین میکنند که کدام جریان در چه محدوده ای امکان نفوذ کسب کند.

در ابتدای اشغال عراق به دلایل تاریخی، احزاب ناسیونالیست کرد

حاکم در کردستان عراق از يك طرف و احزاب و دسته جات مذهبی شیعی تحت حمایت جمهوری اسلامی از طرف دیگر با حمایت آمریکا از آنها بیش از دیگر جریانات آماده دخالت در سرنوشت کشور عراق بودند. هر کدام از اینها نیروی مسلح خود را داشتند. اما يك فاکتور مشترك همه این جریانات را به هم وصل میکرد. نیاز آمریکا و جمهوری اسلامی برای ادامه سیاست خود و دخالت در عراق، حمایت آنها از احزاب و جریانات مسلح دخیل در عراق، علیرغم جدال حاکمان تهران و وشنگتن این جریانات را در کنار هم قرار میداد.

بنابر این برای اولین بار در تاریخ عراق احزاب و دسته جات اسلامی و ناسیونالیستی منبعت از جنبش ناسیونال اسلامی عرب و جنبش ناسیونالیستی کرد در يك مقطع تاریخی در کنار هم قرار گرفتند و ائتلافی را شکل دادند. توافقات این احزاب برای تشکیل حکومت "مشترك" در عراق علیرغم اختلاف منافع محلی و منطقه ای هر کدام از آنها، مستقیما انعکاسی از منافع آمریکا و جمهوری اسلامی در این مقطع زمانی برای برداشتن صدام حسین از صحنه سیاست عراق هم بود. با وجود اهداف و سیاستهای متفاوت آمریکا و جمهوری اسلامی برای سرنگونی صدام حسین و تلاش برای مستقر کردن حکومت جانشین، در عین حال که نقطه مشترك احزاب حاکم برجسته شد، اما همزمان جدال جنبش ناسیونالیستی کرد و جنبش ناسیونال اسلامی عرب باز هم دهن باز کرد.

اما به دلیل وجود جریانات غیر قابل کنترل و اوج ترور و نا امنی در عراق احزاب و جریانات حاکم در بغداد و کردستان ناچار بودند توافقات شکننده خود را همچنان حفظ کنند. در عین حال این توافقات همچنانکه قبلا تاکید کردم تابعی از اهداف و سیاستهای آمریکا و جمهوری اسلامی بود. اگر سرنگونی صدام حسین سیاست مشترك جمهوری اسلامی و آمریکا بود اما استقرار حاکمیت در عراق و سیاستهایی که باید در بغداد حاکم

میشد آنها را در دو جبهه و در مقابل هم قرار میداد. بنابراین پیشرفت آمریکا یا جمهوری اسلامی به ناچار قدرتگیری احزاب و جریانات متحد و مورد نظر یکی از آنها را تقویت میکرد.

جدال جمهوری اسلامی به نمایندگی از جنبش اسلام سیاسی و آمریکا با سیاستهای نظم نوینی همراه متحین خود، به نوعی تعیین کننده تعادل قوای حاکمان بغداد هم بود. همچنانکه تاثیرات این جدال را در فلسطین و لبنان و... میتوان مشاهده کرد در عراق هم بیش از پیش تاثیرات و تبعات این جدال اکنون برجسته تر شده است. آمریکا در خاورمیانه نتواست طرح "خاورمیانه بزرگ" را اجرا کند. در عراق با شکست سیاسی روبرو شد. جنبش اسلام سیاسی در بطن رقابتهای و جدال قدرتهای اقتصادی جهان بعد از "جنگ سرد" با آمریکا، توانست سیاستهای آمریکا را به چالش بطلد. آمریکا با ادعا و هدف کسب موقعیت ژاندارمی و قدر قدرتی در دنیا، عراق را اشغال کرد و در پی اجرای طرح خاورمیانه بزرگ بود. این سیاستها به دلیل تحولات بعد از جنگ سرد و سر بر آوردن قدرتهای عظیم دیگر همچون اروپای واحد، چین و ژاپن و هند و... و به دلیل موقعیت تازه روسیه بعد از این تحولات با موانع جدی روبرو شد.

این اوضاع امکان تحرك و سهم خواهی اسلام سیاسی را بیش از پیش مهیا کرد و آمریکا از دو سمت زیر فشار قدرتهای اقتصادی جهانی که هر کدام سهم خود را طلب میکردند و جنبش اسلام سیاسی در منطقه قرار گرفت. پروسه اوج این جدال چند جانبه که از سال ۲۰۰۰ آغاز شده بود در سال ۲۰۰۷ مبتکرین سیاست نظم نوینی واشنگتن را به تغییراتی در سیاست و تاکتیک خود ناچار کرد. ابعاد این تحول اما نه محدود به عراق است و نه محدود به خاورمیانه، ابعاد این تحولات جهانی است. تغییر موقعیت و جایگاه آمریکا در سیاستهای جهانی در عین حال موضوع اصلی جدال جناحهای بورژوازی آمریکا هم هست. رقابتهای حزب دمکرات و جمهوری خواه آمریکا را در متن چنین

موقعیتی برای رسیدن به همان استراتژی قدر قدرتی آمریکا، اما با تاکتیکها و سیاستهای متفاوت باید دید. اگر کسی باور کرده است "اوباما" طرفدار مردم آمریکا و مکین مخالف آن شده است، فقط سطحی نگری و عدم تحلیل درست از تحولات جهان را بیان میکند.

این تحولات در سطح جهانی و منطقه ای نمیتوانست انعکاس داخلی در عراق نداشته باشد. همچنانکه تبعاتی در خود آمریکا هم داشته است. معلوم بود تناسب قوای جدید در عراق هم رنگ خود را به تحولات سیاسی خواهد زد. تغییر سیاست آمریکا در قبال هر سه "محور شرارت" (سوریه، جمهوری اسلامی و کره شمالی) که قبلا بوش آنرا با نعره سر داده بود انعکاسی فوری و بلاواسطه در منطقه و عراق داشت. با این تغییرات ما شاهد باز شدن سفارتهای کشورهای عربی یکی بعد از دیگری در بغداد هستیم. دروازه مذاکره با کره شمالی و سوریه و اخیرا جمهوری اسلامی هم باز شده است. حزب الله شریک قوی قدرت در لبنان گردید، و توافقات هر چند محدود فلسطین و اسرائیل و... را هم در همین راستا باید دید.

اما تحولات عراق: بر اساس اخبار و گزارشات منتشر شده و مشاهدات عینی، تسلط حکومت بغداد به نسبت سالها و ماه های قبل بیشتر و امکان اینکه تحت عنوان مبارزه با تروریسم و "قانون شکنی"، رقبای خود را یکی پس از دیگری از سر راه بردارد و یا آنها را مطیع خود کند بیش از پیش به سیاست روز حاکمان در بغداد تبدیل شده است. تکاپوی جریانات ناسیونال اسلامی عراق يك بار دیگر جامعه را با خطر جنگ داخلی روبرو کرده است. اما این جنگ نه علیه تروریستهای القاعده که با سمیاتی قوی در دنیا مواجه میشود، بلکه این بار برای مطیع کردن و در نهایت خشی کردن احزاب ناسیونالیست کرد به کار گرفته میشود. جدال با این یکی تفاوت ماهوی با دیگر رقبای حاکمین بغداد دارد.

اگر بخواهیم از سطح به عمق قضایا نگاه کنیم و ریشه این

## در دفاع از آزادی زندانیان سیاسی

### علیه هویت ملی

محمد آسنگران

اخیرا اطلاعاتی از جانب جریان‌های قومپرست در "دفاع از زندانیان سیاسی" منتشر شده است، که همه آنها بعلاوه احزاب و جریان‌هایی که بعدا به این کمپ پیوسته اند، نه تنها فلسفه وجودی خود را از آزادی انسان و آزادی زندانی سیاسی و حقوق انسانی کسب نمی کنند بلکه هر مقوله ای را با اتیکت "کرد" برچسب میزنند تا کالای قومی شان را در بازار بفروش برسانند. نگاه کنید به لیست چند نمونه از این ادبیات و فرهنگ عهد عتیقی: حقوق بشر کرد، حکومت کرد، زندانی کرد، مبارزه کرد، زن کرد، کارگر کرد، حق کرد و انسان کرد و... برای اینکه عمق این ارتجاع و عقب ماندگی را متوجه شویم کافی است حتی به چسباندن این اتیکت به موارد دیگری که ظاهرا غیر سیاسی است هم نگاه کنید: مرغ کردی، تخم مرغ کردی، روغن کردی، فرهنگ کردی و... حال بیائیم و همین اتیکت کردی را تبدیل کنیم به آلمانی، انگلیسی، آمریکایی و فرانسوی و فارسی و... مثلا چقدر شنیع است اگر کسی بیاید و اعلام کند: زندانیان سیاسی فارس، حقوق بشر فارس و ترک و عرب و انگلیسی و... روغن عربی و تخم مرغ فرانسوی و الخ. آیا تقبیح این فرهنگ نباید وظیفه هر انسان آزاده ای باشد که خود را

مدافع انسان و حقوق انسانی میدانند؟ تازه این مورد اشاره به تولید کالاها بی ندارد که مثلا در فلان کشور تولید شده است. اشاره به ارزشهایی دارد که قرار است مبنای زندگی انسانها و جامعه معینی قرار گیرد. این فرهنگ و ادبیات تفرقه افکنانه تولیدات کارخانه افکار و سیاستهای ناسیونالیستی است. این تولیدات قرار است جدایی انسانها را بر مبنای قومیت بیشتر کند و دیوار جداییها را بلند تر نماید. اگر جمهوری اسلامی با فرهنگ و ادبیات و دستگاه آخوندسازی انسانیت و هویت انسانی را زیر ضرب گرفته است، قرار است ناسیونالیستها هویت قومی را جایگزین هویت مذهبی کنند. قرار است مردم از چاله به چاه هدایت شوند. قرار است از این به بعد و در صورت نفوذ ناسیونالیستها مردم با هویت قومی به جان هم بیفتند و مرز هویت مشترک انسانیشان مبنای وحدتشان نباشد بلکه هویت ملی قومی فاصله آنها را بیش از پیش بیشتر کند.

رنگ و بوی این بازار قومپرستی مستقیم و غیر مستقیم در طرح و فرمولبندیهای خواست زندانیان سیاسی هم دیده میشود. بنابر این موضوع تنها جریان‌های

سیاست دیگر و به طریق اولی به دلیل نقد حاکمان به زندان میبیرد و میخواهد صاحبان و مبلغان و گویندگان دیگر اندیشه ها و افکار را سلاخی کنند. بجز ایدئولوژی و سیاستهای اسلامی آنها از نوعی که در قم و تهران تصمیم گرفته اند جای دیگر اندیشه ها و با هر درجه مخالفتی زندان و جرم آنها محاربه با خدا و یا دشمنی با حکومت خدا است. این رژیم اگر هیچ جنایت دیگری هم نکرده بود فقط به جرم ضدیتش با هویت جهانشمول انسانی و به جرم خفه کردن صداهای دیگر باید سرنگون شود و مجریان و مبتکران سیاستهای این رژیم باید جایشان پشت میز محاکمه باشد.

اگر این حکم در مورد جمهوری اسلامی درست است و فکر نمیکنم هیچ اپوزیسیونی راست یا چپ مخالف آن باشد، به همین اعتبار جریان‌هایی که اکنون در اپوزیسیون هستند و با همان متد با جهانشمولی حقوق و هویت انسانی سر ناسازگاری دارند باید نقد و حاشیه ای شوند. قومپرستان و طرفداران هویت "ملی" و همه جریان‌های ناسیونالیستی مرتب با باد زدن هویت قومی و ملی و ناسیونالیستی میخوانند هویت انسانی انسانها را از بین ببرند و به جای آن هویت ملی و قومی قرار دهند. این ضدیت با هویت انسانی باید تقبیح و مورد نقد جدی قرار گیرد. زیرا این افکار و سیاستهای تفرقه افکنانه و قومی اگر به قدرت برسد همان کاری را خواهد کرد که حاکمان امروزی مشغول آن هستند.

حامی جنبش ملی و قومی کردی نیستند که "حمایتشان" را با مهر و اتیکت ناسیونالیستی میفروشند. بلکه متأسفانه خود زندانیان سیاسی حداقل کسانی که مطالباتشان را نوشته اند و فرموله کرده اند هم به این سموم آغشته شده اند. و این هشدار دهنده است.

وظیفه همه کمونیستها و آزادیخواهان است که برای آزادی همه زندانیان سیاسی با هر سیاست و تفکر و ایدئولوژی ای به میدان بیایند و آنها را از چنگ جمهوری اسلامی نجات بدهند. اما این وظیفه انسانی و سیاسی نباید مانع از این شود که افکار و سیاستهای تفرقه افکنانه و غیر انسانی را نادیده بگیریم. ما خواهان جامعه ای بدون زندانی سیاسی هستیم. وجود زندانی سیاسی در هر جامعه ای نشانه دیکتاتوری و نبود آزادی بیان است. انسان یک بار به دنیا می آید و مدت محدودی شانس زندگی کردن دارد. کسی حق اینرا ندارد که انسان دیگری را با هر بهانه ای محدود و مقید کند که چگونه حرف بزند یا نزند. کسی حق ندارد انسانی را با هر تفکری حتی اگر ضد انسانی و ارتجاعی هم باشد به صرف حرف زدن و اظهار نظر کردن به زندان ببرد. ولی جمهوری اسلامی انسانها را به دلیل تفکری دیگر، دیدگاه و

همین فرهنگ قومی و ملی اکنون در کردستان عراق در حاکمیت است و سردبیر روزنامه "هاولاتی" به دلیل چاپ ترجمه مقاله یک نویسنده آمریکایی منتقد بوش و حاکمان کردستان عراق، راهش به دادگاه افتاده و جلال طالبانی از او شکایت کرده است که چرا ترجمه مقاله یک نویسنده منتقد را چاپ کرده است.

به دلیل نقد حاکمان کردستان تا کنون دهها نفر ترور و صدها و حتی هزاران نفر زندانی شده اند. شکنجه و حکم اعدام و سانسور و زندانی کردن مخالفین بخش لایتجزای قانون و حکومت همین ملیگرایان و قومپرستان و مدافعان هویت ملی است. البته اینها تنها نمونه نیستند. حکومت پهلوی با دفاعش از ناسیونالیسم ایرانی و هویت ایرانی و ارجاع به تاریخ دوران برده داری کوروش و داریوش و...، صدام حسین با دفاعش از هویت عربی و ناسیونالیسم عرب، و بالاخره سوارتو بوش و آنتاتورک و غیره نمونه های دیگر این هویت پرستی ملی و قومی را تا کنون به اندازه کافی به نمایش گذاشته اند.

اگر جوانانی در میان این "جنبش ملت پرستی کردی" و یا انواع دیگرش، ناآگاهانه پا به این میدان گذاشته است همین نوشته کوتاه باید هشدار باشد که هویت انسانی خود را با هیچ هویت کاذب دیگری جانشین نکنند. با شعار زنده باد هویت انسانی، باید تلاشمان را برای آزادی همه زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام و شکنجه صد چندان کنیم.

کمتر کرده است. افراد زیادی را از کار بی کار کرده است. در حالیکه در این ماه قیمت اجناس و خوراکیها بیشتر می شود و افرادی که از راه فروش مواد خوراکی و یا در رستورانها و کافه ها روزگار می گذارند باید کارشان را در این ماه تعطیل کنند. در غیر اینصورت طرف حسابشان اطلاعات و بگیر و ببند خواهد بود.

شبنم - ۱۰ شهریور ۸۷

نگرفتن بازداشت و بازجویی میکردند. مردمی که نماز و روزه و درکل دین برایشان مضحکه شده است و جوک و لطیفه های بامزه امروزشان مربوط به مسائل دینی و امامان و پیغمبران است را نمی توان به زور و به اجبار تابع اسلام ضد بشر نگه داشت. رمضان که به اصطلاح ماه برکت و ارزانی آوندها است در ابتدای قدم نامبارکش نان سفره مردم را در این حد ناچیزی هم که بود

یا شیرینی فروشی مراجعه می کند چیزی در این مغازه ها یافت نمی شود. وقتی جویای احوال میشویم می گویند مجبوریم که کم کم مغازه را از خوراکیها خالی کنیم چون اگر در ماه رمضان مشتری قبول کنیم برایمان ایجاد دردسر میکنند. حتی در سالهای قبل افرادی را که روزه نمی گرفتند به اجبار به کندن قبر در قبرستان وامیداشتند و افراد زیادی را در اداره اطلاعات بدلیل روزه

روستاهای اطراف پیرانشهر مردی توسط همسر و دامادش به قتل رسید این فرد بنام ابوبکر قاضی اهل زیوه که مسن هم میباشند هنوز مشخص نشده است که به چه دلیل توسط همسر و دامادش مسموم و سپس خفه شده است.

۴- سایه شوم ماه رمضان دوباره بر جامعه عیان شده است. و وقتی آدم برای رفع خستگی به کافی شاپ

### ادامه چند خبر و ...

حمل کالا از مرز، زندگی بسیاری از مردم این مناطق رادچار بحران و مشکلات شدیدی کرده اند. این سیاست سرکوبگرانه رژیم تا کنون باعث کشتن شدن و زخمی شدن تعداد زیادی شده است.

۳- در روستای زیوه یکی از

### یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید  
و در سطح وسیع توزیع کنید



## برگزاری دومین مجمع عمومی کارگران شرکت نساجی کردستان

از ظهر همان روز در استانداری کردستان جلسه دیگری در رابطه با مشکلات کارخانه نساجی قرار است تشکیل داده شود.

لازم به ذکر است که پس از اتمام مجمع عمومی، کارگران ۵ نفر را به عنوان نماینده خود انتخاب کردند.

در ضمن مدیر سازمان صنایع، معاونت سیاسی استانداری، مدیر سازمان کار و امور اجتماعی و مدیر عامل شرکت در ساختمان اداری کارخانه تشکیل جلسه دادند و تا ساعت ۱۳ ظهر ادامه داشته اما هنوز نتیجه جلسه روشن نیست. بعد

کارگران شرکت نساجی کردستان در تاریخ ۵/۶/۸۷ روز سه شنبه از ساعت ۸/۳۰ صبح تا ساعت ۱۱ صبح دومین مجمع عمومی خود را در کارخانه برگزار کردند. کارگران در بحث و گفتگوی خود بر ادامه کاری شرکت با فشاری کرده و گفته اند اگر

کارفرمای شرکت، خواهان باز گشایی شرکت نباشد تا رسیدن به مطالبات خود، (ادامه کاری و یا بازنشستگی پیش از موعد) به تجمع خود در محل شرکت ادامه خواهند داد. کارگران همچنین خواستار ۳ ماه حقوق معوقه خود شده اند.

### ادامه تمديد بازداشت دوباره فرهاد ...

۷ ماهی می باشد که در خارج از کشور به سر می بردمفقود گردیده که تا کنون هیچ خبری از ایشان نشده است. اطلاعاتی ها به مادر نامبرده (کژال شیخ محمدی) گفته اند که خبری از سروه نداریم و این در حالی است که اطلاعاتی ها سروه را در ماههای قبل به اطلاعات احضار کرده و نامبرده از احضار شفاهی سرپیچی کرده بود.

المملی، فعالان سیاسی و مدنی و مردم ایران خواسته است که برای نجات جانش تلاش کنند.

**رپوده شدن سروه محمدی در مهاباد**

عصر پنج شنبه ۵ مرداد سروه محمدی فرزند یکی از فعالان حقوق بشر (غفور محمدی) که چندین بار توسط نیروهای اطلاعاتی مورد بازجویی و دستگیری واقع شده و

گفتم و اگر آهن بودم آب می شدم! چرا باز هم اصرار می کنید جرمی را که مرتکب نشده ام به گردن بگیرم؟ "در همین رابطه پدر و مادر فرهاد نامه ی اعتراضی نوشته و برای مقامات قضایی جمهوری اسلامی ارسال داشته اند ولی مسئولین قضایی در جواب آنها گفته اند که فرهاد باید به اتهامات وارده اعتراف کند تا وضعیتش روشن شود. فرهاد حاجی میرزایی در آخرین ملاقات خویش، از همه ی نهادهای بین

برده و سعی کرده اند اقدامی کنند تا اتهامات وارده را قبول نمایند که او در جواب قاضی پرونده گفته است: "بی گناهم و جرمی که شما به من نسبت می دهید، بی ربط و بی اساس است! چون من در طی این مدت به سختی شکنجه شده ام و بارها با شوک الکتریکی شکنجه شده و چندین بار زیر دست شما مرده و زنده شده ام! اگر چیزی داشتم می

است که در حق زندانیان سیاسی و مدنی به اجرا درمی آورند. دفاع فرهاد از خویش تا هم اکنون باعث خشم مقامات امنیتی و قضایی شده است و سعی می کنند برای اثبات اعمال غیر انسانی خود علیه این فعال مدنی دوره بازداشت و شکنجه را تمديد کنند تا روحیه اش را دردم بشکنند. در چند روز گذشته دوباره فرهاد را برای بازجویی

### ادامه گفتگو با یکی از کارگران ...

شما پاسخ داده نشود چه اهدافی را دنبال خواهید کرد؟

ج- در صورتی که به این خواسته های ما پاسخ داده نشود دست به اعتراض و اعتصاب خواهیم زد و سعی می کنیم مجمع عمومی در داخل شرکت سازمان بدهیم و از شرکت شلیر خواهان پشتیبانی شده ایم که حدود ۶ ماه می باشد که دستمزد نگرفته اند.

شده اند و اکثر آنها با خانواده های خود با خشونت رفتار کرده اند و در طرفی دیگر با بیرحمی صاحب خانه ها همراه بوده است و وسائل خانگی کارگران را به کوچه ریخته اند و اکثریت خانواده ها از خوردن گوشت محروم بوده اند و گوشتی که بر طبق قوانین شرکت باید به کارگران داده شود امتناع کرده اند.

و در مورد شرایط کار توضیحاتی را بفرمائید؟

ج- شرایط کار بسیار بغرنج است و فضای مناسبی برای کارگران مهیا نشده است که بتوانند تولید کنند و عوارض بسیار خطرناکی از جمله دیسک کمر، معارضه ی قلبی تنگی نفس و سایر بیماری های دیگر بر اثر شرایط سخت کار به کارگران تحمیل می شود.

۵- در دو ماه و ۱۷ روزی که دستمزد شما پرداخت نشده است آیا بیمه ی بیکاری به شما تعلق گرفته است؟

ج- نه باید ۱۰ سال کار کرد تا حق بیکاری بر اساس قوانین کار به کارگران داده شود و به دلیل تورمی که بر جامعه حاکم است نمی توانیم پایه ای ترین نیاز های خانواده را پاسخ دهیم و بسیاری از کارگران دیگر از نظر خانواده دچار مشکل

عنوان را بازگو شدیم. تا روز شنبه خبری از پاسخ به مطالبات ما نشد و حدود ۱۰۰ نفر جلوی درب مسجد بازار روز، خواستیم دست به اعتصاب بزنیم که از این کار ممانعت شد و در نهایت روز دوشنبه جلوی درب شرکت کشت و صنعت حدود ۱۲۰ نفر دست به اعتصاب زدیم و به وسیله ی این کار توانستیم توجه کارفرما را به خود جلب کنیم و کارفرما به ما قول داده که ۱۷ ماهین ماه به مطالبات ما پاسخ دهد. مطالبات ما از این قرار است

۱- دادن حقوق معوقه ۲ ماه و ۱۷ روز

۲- بازگشت به سر کار

۳- آتوقتی که در شرکت بودید ساعت کار شما چند بوده و دستمزد

ماهیانه ی شما و دیگر کارکنان شرکت چه مبالغی بوده است؟

ج- هر کدام از کارکنان کارخانه ساعت متوسطه کار بدون در نظر گرفتن اضافه کار ۱۲ ساعت در روز بوده است و روز تعطیلی در کار نیست و این ۱۲ ساعت در مورد جمعه هم صادق می باشد و دستمزد ماهیانه حداقل بر طبق قانون کار ۲۲۰ هزار بوده است

۳- درآمد شرکت تا آن جایی که شناخت دارید چه قدر بوده است؟

ج- میزان تخم مرغ در یک روز ۷۰۰۰۰ کارتن بوده است و درآمد خالص این ۷۰۰۰۰ کارتن تخم مرغ بدون توجه به دستمزد کارگران ۱۵۰ میلیون تومان در یک هفته بوده است.

۴- شرایط کار آیا مطلوب است

### ادامه پیامد جدال ناسیونالیستهای ...

شدن جنگ و خانه خرابی و فضای نفرت قومی قرار دارند. استراتژی سیاسی برای عبور جامعه از این تند پیچها و برای تقویت جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی امروز بیش از همیشه مهم و تعیین کننده است. در بخش بعدی به این موضوع میپردازیم.

کردستان در این شرایط بغرنج مهم است باید یک بار برای همیشه مسئله کرد جواب بگیرد. تا وقتی که مسئله کرد حل نشده و موضوع ستم ملی تمام نشده باشد مردم کردستان نمیتوانند از چنگال احزاب ناسیونالیست و منفعت پرست خلاص شوند. با ادامه وضع فعلی مردم همیشه در معرض خطر برپا

کردستان موضع گرفته است. مالکی پیشروی خود و دولت متبوعش در مقابله با "القاعده" و مقتدا صدرا دستمایه هشدار به احزاب حاکم بر کردستان کرده است. و احزاب کردستان بدون استراتژی با تاکتیک روزمره فعلا به فکر پر کردن جیب خود هستند. اما آنچه برای کمونیستها و مردم تحت ستم

اختلافات را مورد بررسی قرار بدهیم، میبینیم که جدال این دو جنبش اولاً تازه نیست. تاریخی و قدیمی است. دوما تغییر تعادل قوا در شرایط فعلی به ضرر احزاب حاکم در کردستان عراق پیش میروید و